

ORIGINAL ARTICLE

Post-Criminal Justice Measures as Strategy for Urban Health

HamidReza Saeedyneshad

Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

Correspondence:
HamidReza Saeedyneshad
Email:
saeedyneshad48@gmail.com

Received: 24 Dec 2025
Accepted: 04 Jan 2026

How to cite
Saeedyneshad, H.R. (2025). Post-Criminal Justice Measures as Strategy for Urban Health. Journal of urban law, 1(1), 23-36.

A B S T R A C T

The rehabilitation of criminals and delinquents and their return to society has long been a concern of modern societies. The main question of this article is what intellectual and philosophical foundations this idea is based on, how it relates to the health of the city, and what measures, support, and programs does it require from city officials? In the following, this article believes as the main hypothesis that on the one hand, from the perspective of civil rights, people with a criminal record - as part of society - deserve to have equal rights and social opportunities with other citizens. On the other hand, due to the close connection between the fate of this segment of society and the health of the entire city, they are entitled to receive more support and assistance from the urban management system than other segments of society.

KEY WORDS

Citizens' rights, post-punishment measures, offender rehabilitation, urban health.



«مقاله پژوهشی»

تدابیر پساکیفری: راهکار سلامت شهری

حمیدرضا سعیدی نژاد

چکیده

بازپروری مجرمان و بزهکاران و کمک به بازگشت آنها به آغوش جامعه مدتهاست که از دغدغه‌های جوامع مدرن است. سوال اصلی این مقاله این است که این اندیشه بر چه مبانی فکری و فلسفی استوار است و چگونه به سلامت شهر ارتباط پیدا می‌کند و در ادامه چه تدابیر و حمایت‌ها و برنامه‌هایی را از سوی مسئولین شهری می‌طلبد؟ در ادامه، این مقاله به عنوان فرضیه اصلی بر این باور است که از یک سو از منظر حقوق شهروندی افراد دارای سابقه کیفری بعد از تحمل کیفر - به عنوان بخشی از جامعه - مستحق داشتن حقوق و فرصت‌های اجتماعی برابر با سایر شهروندان می‌باشند و از سوی به لحاظ پیوند وثیق سرنوشت این بخش از جامعه با سلامت کل شهر، آنان مستحق دریافت حمایت‌ها و مساعدت‌های بیشتری نسبت به سایر بخش‌های جامعه از سوی نظام مدیریت شهری می‌باشند. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با استعانت از منابع و داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای، برای آزمون فرضیه خود تلاش نموده است و در پایان، مقاله با اثبات فرضیه به این نتیجه دست یافته است که موضوع بازپروری مجرمان، بخش مهمی از پروژه سلامت شهر است و شایسته توجه و حمایت‌های بیشتری از سوی نظام مدیریت شهری است.

واژه‌های کلیدی

حقوق شهروندی، تدابیر پساکیفری، بازپروری مجرمان، سلامت شهر.

استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

نویسنده مسئول:

حمیدرضا سعیدی نژاد

رایانامه: saeedynzhad48@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۴

استناد به این مقاله:

سعیدی نژاد، حمیدرضا. تدابیر پساکیفری: راهکار سلامت شهری. مجله حقوق شهری، (۱)، ۱۸-۲۳.

بیان مساله

شرایط زندگی در یک جامعه عادلانه را مبتنی بر سه پایه آزادی - برابری و استقلال افراد به عنوان یک شهروند تلقی می‌نمایند (موحد، ۱۳۸۱، ۱۹۲-۱۸۷). آزادی را روح اصلی همه حقوق بشر و حقوق شهروندی دانسته‌اند زیرا آزادی به معنای رهایی از هرگونه قید و اسارت است که در سه موضوع آزادی جان، آزادی عمل و آزادی حیثیت انسان از سیطره دیگری می‌باشد. لذا حق شهروندی آنگاه رعایت می‌گردد که جان، عمل و حیثیت شهروندان پاس داشته شود. از این‌روست که رابطه متقابلی میان آزادی و کرامت انسانی برقرار است (جعفری‌تبار، ۹۲-۹۰). ایده کرامت انسانی سنگ زیربنای حقوق بشر است. کرامت انسانی به عنوان یک حق نگریسته می‌شود. این حق به معنای رفتار مناسب با انسان به عنوان فردی است که دارای قابلیت‌ها و استعدادها خاص انسانی است و به فعلیت رسیدن این قابلیت‌ها و نیز حمایت از او آماده کرده بسترهای مناسب شهری برای او از سوی نظام سیاسی و مسئولین شهری برای تکامل کرامت بشری از جمله پیش‌نیازهای مهم این موضوع قلمداد می‌شود. این بخش از آزادی انسان به بخش آزادی‌های مثبت اطلاق دارد یعنی بخشی که برای ظهور و بروز و شکوفایی حتما نیازمند کمک مساعد و حمایت‌های مسوولین شهری است. در این میان مجرمانی که مجازات جرم ارتكابی خود را تحمل نموده و پس از آن با ندامت از گذشته و اشتباهات خود قصد بازگشت به جامعه را دارند بیشتر از سایر شهروندان نیازمند این حمایت‌های مسئولین شهری - به عنوان بخش مهمی از پروژه سلامت شهر - می‌باشند. بعد از بیان پیشینه پژوهش و همچنین مبانی نظری پژوهش این موضوع را در سه بخش الف) حقوق افراد پس از محکومیت کیفری ب) ساختار تدابیر پسا کیفری و پ) سلامت شهر پی خواهیم گرفت و در نهایت بحث را با نتیجه‌گیری پایان خواهیم داد.

پیشینه پژوهش

در باب اقدامات پساکیفری برای افراد دارای سوابق کیفری آثاری متعددی اعم از مقاله و کتاب وجود دارد از جمله به عنوان مثال: کتاب

A Systematic Review of Evidence-Based Alternative Anamalia Su'esu'e, Dylan Models of Incarceration Pilger & Lorinda Riley (2025) یک بازبینی نظام‌مند از مدل‌های جایگزین زندان‌های سنتی، از جمله رویکردهای ترمیمی

و اصلاحی که بر تعامل با جامعه و کاهش تکرار جرم تأکید دارند. همچنین در کتاب

Adult Education & Prisoner Reintegration, Vol. 8 No. 2 (2023) – Dialogues in Social Justice Journal

مجموعه‌ای از مقالات علمی درباره نقش آموزش بزرگسالان در فرایند بازگشت موفق به جامعه و چگونگی ارتباط آن با کاهش نرخ تکرار جرم به رشته تحریر درآمده است. همچنین کتاب

Offender Rehabilitation Issues: Critical Lessons for Criminology, Criminal Justice, and Public Policy – Charles B. A. Ubah (2024)

یک کتاب تحلیلی که موضوع بازپروری مجرمان، تعامل سیاست‌گذاری عمومی با اجرای برنامه‌های اصلاحی، و چالش‌های عملی در این حوزه را بررسی می‌کند.

امیرحسین نیازپور با عنوان «بازپروری بزهکاران در مقررات ایران» سال ۱۳۸۵، در این کتاب بازپروری به عنوان یکی از ارکان سیاست جنایی نوین معرفی شده و بر ضرورت حرکت از مجازات‌های صرفاً سالب آزادی به سوی تدابیر اصلاحی و انسانی‌تر در چهارچوب قانون و حقوق ایران تأکید شده است.

در اثر محمدعلی اردبیلی با عنوان کار در زندان و نقش آن در بازپروری زندانیان ۱۳۶۵، نویسنده می‌خواهد نشان دهد که کار در زندان صرفاً یک فعالیت اقتصادی یا صرفه‌جویی برای سیستم نیست بلکه یک عنصر مهم در فرایند تربیت و بازگشت سالم زندانیان به جامعه است.

آرش دولتشاهی با عنوان حمایت کیفری از حقوق شهروندی در ایران، کانادا و اسناد بین‌المللی ۱۳۹۱، تلاش نموده تا تصویر روشنی از ظرفیت‌ها و محدودیت‌های حمایت کیفری از حقوق شهروندی و کمک به اصلاح و تقویت این حمایت‌ها در نظام حقوقی ایران را ارائه دهد.

اسماعیل رحیمی‌نژاد با عنوان کرامت انسانی در حقوق کیفری ۱۳۸۷، تلاش نموده تا نشان دهد نظام کیفری باید در عمل و نه صرفاً در متن قانون کرامت ذاتی هر فرد را محور قرار دهد و سیاست‌های کیفری و رویه قضایی و اجرایی را براساس احترام به ارزش‌های انسانی سامان دهد.

در اثر محسن رهامی با عنوان اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۳۸۱، نویسنده تلاش نموده ظرفیت‌های دستگاه قضایی را با استعانت از تدابیر پساکیفری برای تامین نظم اجتماعی و حمایت از حقوق بزه‌دیده در جامعه برجسته نماید.

علی شمس در کتابی با عنوان رویکردی جدید بر نظام زندان‌ها،

همانند حقوق مدنی و سیاسی به عنوان مشخصه شهروندی دارای اهمیت است.

امروزه حقوق بشر از "شهروند" مفهومی فراملی و جهانی ساخته است. روندی جهانی که در آن اعضای جامعه نه به عنوان تبعه و موضوعی منفعل و پذیرای قاطع دولت، بلکه به مثابه مشارکت کنندگان فعال در فرایند شکل‌گیری و تکوین خط‌مشی‌های سیاسی تلقی می‌شوند. لذا شهروندی موقعیتی - نه منفعلانه بلکه - فعالانه است (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶). شهروندی فراتر از مفهومی تحت عنوان تابعیت، به تک‌تک افراد جامعه بدون توجه به سلسله‌مراتب و موقعیت‌های ممتاز برای افراد اطلاق می‌گردد که به عنوان عضو فعالی از اجتماع در تعامل با دیگران است. چنین تعریفی از شهروند، دلالت بر یک وضعیت برابری مدنی دارد که نه تنها حقوق برابر جهت استفاده از خیرهای جمعی را تضمین می‌کند، بلکه شامل تکالیف برابر جهت ارتقا آنها نیز می‌شود. از سویی این مفهوم خود ضمانت اجرای حقوق نیز محسوب گردیده و ویژگی مهم آن است، زیرا شهروندان به واسطه آن زندگی خود را براساس وابستگی‌های متقابل و تعادل میان حقوق و تکالیف اجتماعی نظم بخشیده و شیوه زندگی، ایده‌آل‌ها و نیازهای اساسی خود را در چارچوب نظم و امنیت اجتماعی مورد احترام خواهند یافت. (Georging Blakeley and Bryson.P13) بدین ترتیب مفهوم شهروندی شامل عناصری از دیدگاه اصالت فردی و جمعی توأمان بوده و به مثابه یک وضعیت حقوقی تصور می‌شود.

جایگاه حقوق شهروندی چه در قوانین داخلی و چه مقررات بین‌المللی اساساً یکی از بخش‌های حقوق مقدس انسان، طبیعی و ذاتی و جزء جدانشدنی حیات بشری است. از این منظر حقوق شهروندی همچنین شامل حقوق مجرمان و استحقاق آنها برای بازگشت به جامعه در بستر خدمات حمایتی و اجتماعی و جزء حقوق طبیعی آنها محسوب می‌شود و با تغییرات اوضاع و احوال ماهیت خود را از دست نمی‌دهد. به این ترتیب حکومت باید با وضع قوانین جامع و کامل به حمایت از حقوق طبیعی آنها بپردازد و آنها را به سمت زندگی سالم هدایت نماید.

از گذشته تا امروز، به موازات اعمال مجازات بر بزهکاران، کارکرد کیفر به دو گونه تکلیف‌گرا (سزاده) و فایده‌گرا (پیشگیرانه) دسته‌بندی شده است. کارکرد تکلیف‌گرای مجازات با «گذشته‌نگری» تنها به دنبال مجازات بزهکار (مقصر) و برعکس کارکرد فایده‌گرای کیفر، با «آینده‌نگری» درصدد پیشگیری از بزهکاری نخستین مجرمان احتمالی و پیشگیری از بزهکاری دوباره‌ی مجرمان واقعی است (داف، ۲۰۰۱، ۵۶-۴۴).

بازگشت سعادت‌مندان ۱۳۸۲، فراتر از رویکردهای سنتی (تاکید صرف بر نگهداری و مجازات) بر ابعاد انسانی، اصلاحی و بازگشت موفق زندانیان به جامعه تاکید دارد.

حسین غلامی در کتابی با عنوان عدالت ترمیمی ۱۳۸۴، با رویکردی نوین به جای تمرکز صرف بر مجازات به بازسازی روابط آسیب‌دیده و مشارکت فعال بزهکاران در جامعه تاکید دارد و چهارچوب‌های روشنی برای اجرای برنامه‌های ترمیمی ارائه می‌دهد. محمد زاهدی اصل در کتابی با عنوان جایگاه مددکاری اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲، با تاکید بر نقش مددکاری در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر نشان می‌دهد که مددکاری اجتماعی نه تنها یک فعالیت حمایتی بلکه یک رکن مهم عدالت اجتماعی و توسعه انسانی در جمهوری اسلامی ایران است.

اما تاکنون در خصوص تدابیر پساکیفری و ارتباط آن با سلامت شهری در ایران به‌طور اخص اثری منتشر نشده است و نوآوری مقاله حاضر در همین جا می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

در دنیای معاصر هر فرد انسان، حقوق سلب ناشدنی و ذاتی دارد که باید از سوی دولت و اجتماع شناسایی و محترم قلمداد گردد. این حقوق از یک‌سو بر مدنیت انسان و از سوی دیگر بر انسانیت وی تکیه دارد. از این‌رو حقوقی که در جامعه برای یک شهروند تعریف می‌شود، جزء حقوق بنیادین انسان است. شاید بتوان حقوق شهروندی را آن بخش از حقوق اساسی ملهم از حقوق بشر دانست که رنگ تعلق و وابستگی ملی به خود گرفته است (جعفری‌تبار، ۸۶). بسیاری از این حقوق را معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی شناسایی و تضمین نموده‌اند. در این میان حقوق مدنی از تمامیت جسمانی و معنوی فرد حمایت می‌نماید و حقوق سیاسی که فرد را برای مشارکتی فعال در زندگی سیاسی آماده می‌کند، وجه مشترک حقوق بشر و حقوق شهروندی است (فلاح‌زاده ۱۳۸۶، شماره ۵۸) عضو تمام و کمال بودن یک اجتماع به معنی داشتن حق زندگی متناسب با یک انسان متمدن براساس استانداردهای موجود و پذیرفته شده بین‌المللی است (والک لیت، ۱۳۸۶، ۱۷۰).

در مقام تبیین انواع حقوق شهروندی فراتر از حقوق محصور در قالب سیاسی، می‌توان از وابستگی متقابل حقوق سخن گفت چرا که داشتن حقوق کامل مدنی و سیاسی بدون وجود حقوق اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نمی‌باشد. به عبارتی حقوق اجتماعی-اقتصادی

آنسل در کتاب "دفاع اجتماعی جدید" بر این باور است که برای کیفر نمودن شخص باید به آزادی شخص و شخصیت فردی مرتکب احترام گذاشت (یعقوبی ۵۱، ۱۳۹۶-۵۸ و طالبی، ۵۷، ۱۳۹۳). به عبارتی راه مبارزه با این افراد اعمال کیفر نیست بلکه بررسی و شناخت علل ارتکاب جرم و کمک به رفع آنها و هدایت فرد به سوی تعالی فکر و کمک به تأمین نیازهای ضروری او است. از زاویه نگاه این رویکرد سوال اینست که اصولاً چرا و به چه حقی جامعه که خود سبب ناکامی‌ها و بدبختی‌ها و کجروی‌های فرد است به خود حق می‌دهد از آلت فعل یعنی مجرم انتقام بگیرد؟ اصل این است که اگر مسبب اقوی از مباشر است پس در مرحله نخست سبب (جامعه) و در مرحله بعد فرد (مجرم) مسئول هستند.

الف) حقوق افراد پس از محکومیت کیفری:

۱- اعاده حیثیت:

همه شهروندان دارای حیثیت فردی و اجتماعی می‌باشند. محکومیت کیفری، حیثیت افراد را به شدت خدشه‌دار ساخته و از اعتبارات و امکانات حضور در اجتماع و مشارکت اجتماعی محروم می‌کند. بنابراین اعاده حیثیت در مفهوم عام خود به معنی پاک شدن آثار محکومیت کیفری در اذهان عمومی جامعه است. در واقع این مردم هستند که میزان قبح مجازات‌ها را قضاوت می‌کنند لذا مسئولیت اصلی چنین اعاده حیثیتی بر دوش تمام آحاد جامعه می‌باشد و این مساله مستلزم باور مردمان به کرامت ذاتی همه انسان‌ها از جمله خطاکاران از بند آزاد شده می‌باشد، از این روست که دیوان عالی کشور در خصوص اعاده حیثیت به موجب حکم شماره ۱۶۴۸ مورخ ۱۷ مهر ۱۳۸۱ چنین اظهار عقیده نمود که اعاده حیثیت مستلزم بازگشت تمام شئون وضع سابق به فرد است و لذا اعاده حیثیت از تبعات اجتناب‌ناپذیر حق بر حیثیت و آبرو است.

۲- حق برائت:

تأکید برحق برائت به عنوان بخشی ازحق شهروندی بزه‌کار-بالاخص پس از دوران محکومیت- بدین علت است که این افراد به جهت پیشینه کیفری خود بیش از سایر افراد جامعه در معرض سوءظن و اتهام از سوی جامعه قرار می‌گیرند. چنین نگرش سویی نسبت به آنان، فضای آزاد زیستن و آزاد اندیشیدن آنها را به عنوان شهروند، محدود نموده و آنها را از سایر حقوق که لازمه محترم شمردن آنها به دلیل غایت ذاتی است، محروم می‌سازد و حرکت آنها را به سمت ارتکاب مجدد جرم تسهیل می‌نماید. از تبعات نادیده انگاشتن چنین حقی، تعلیق حق بر آزادی و امنیت شخص و حق بر

در این میان از جمله کارکردهای فایده‌گرا یا سودمند مجازات‌ها که به عنوان یک دغدغه انسانی در مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی منعکس شده است، رفتار اصلاحی با بزهکاران است (Gassin, 1995:59). این کارکرد، در منابع مختلف مورد توجه قرار گرفته و در قالب اصطلاحات مختلفی همچون اصلاح و درمان، بازپروری، بازسازی، بازپذیری اجتماعی مجرم و ... مطرح شده است. بازپروری در اصطلاح، به معنای بهسازی اجتماعی یا اصلاح اخلاقی توأم با حسن رفتار است. استحکام روابط اجتماعی و فردی بزهکار، به‌گونه‌ای بتواند مجدداً به‌طور فعال در جامعه وارد شود، مهارت‌های مفید و مقبول اجتماعی را فرا گیرد و در عمل از این توانایی‌ها استفاده نماید. پس از نگاه این رویکرد، هدف اصلی از مجازات (زندانی)، بهسازی و بازپذیرسازی اجتماعی مجرم است به‌گونه‌ای که مجدداً در خطا و خلاف سقوط نکند (ابراهیمی، ۱۳۹۱:۱۵۳). پس اصطلاح «بازپروری»^۱ بیشتر به مفهوم بازسازی اجتماعی مجرم نزدیک‌تر است. بازپروری در این معنا استفاده از اقدامات و تدابیری است که مجرم به وضعیتی از رفتار اجتماعی مناسب و بهتر بازگرداند؛ وضعیتی که فرد پیش از ارتکاب به رفتار مجرمانه دارا بوده است (Maniya, Mridula, 2004, 203).

بازپروری به عبارتی اقدامات و تدابیری ویژه با ماهیتی آموزشی- تربیتی یا فنی و حرفه‌ای یا دینی است که بیشتر با محوریت حبس انجام می‌گیرد. به همین دلیل، برخی بازپروری را به مفهوم بازگرداندن مجرم محکوم شده به زندان به جایگاه اجتماعی مفروض خود در جامعه از طریق اشکالی از آموزش‌های فنی یا تربیتی یا درمانی می‌دانند (Wesley, 1993). اگر بازگرداندن فرد به جامعه، علاوه بر آموزش‌های یاد شده، نیازمند تدابیر درمانی، از نوع پزشکی و روانپزشکی نیز باشد، از اصطلاح «اصلاح و درمان»^۲ استفاده می‌شود. «اصلاح و درمان بزهکار به معنای وجود یک برنامه مداوای روانی- اخلاقی، با رعایت شرایط لازم برای تأمین امنیت جامعه، به منظور بهبود امکانات سازش‌پذیری اجتماعی فرد مجرم می‌باشد» (نجفی ابرندآبادی و...، ۱۳۷۷:۳۳۴).

از نگاه مکتب دفاع اجتماعی نوین، فردی که مرتکب عمل خلاف قانون می‌شود قبل از این که یک مجرم باشد یک قربانی است. قربانی عواملی مانند: شرایط خانوادگی، فقر مالی، جدایی والدین، بی‌سرپرستی، بی‌سوادی، فقر فکری و فرهنگی، بیکاری، اعتیاد، طلاق و... که در صورت فقدان این شرایط نامساعد قطعاً بسیاری از بزهکاران جامعه امروزه افرادی قانون‌پذیر بودند. مارک

صیانت از حریم خصوصی (اصل ۲۵ قانون اساسی) حق بر آزادی تردد (اصل ۳۳ ق ۱) و حق بر مشارکت‌های مدنی و سیاسی و تجمعات مسالمت‌آمیز (اصل ۲۶ ق ۱) و... که مبین شاخصه مسئولیت‌ها و مشارکت‌های شهروندی این افراد است، می‌باشد.

۳- حقوق اجتماعی-اقتصادی فرهنگی:

حقوق شهروندی شامل آن دسته حقوقی است که با شرایط حیاتی و لازمه زیستن هر انسان مرتبط است. این دسته از حقوق متضمن شرایط لازم برای رفاه و معیشت انسانی در جامعه است و با مداخله مثبت و سازنده دولت‌ها ملازمت وثیقی دارد، ضمن آنکه مشارکت سایر بخش‌های جامعه در کنار مدیریت شهری را نیز می‌طلبد. در پاره‌ای از موارد اعمال این حقوق در خصوص بزهکاران حتی مستلزم "تبعیض مثبت" است. بدین معنا که نظام مدیریت شهری حقی بیشتر از سایر آحاد جامعه برای آنان در این موضوعات قائل می‌گردد. این تدابیر حاصل نگاه بالینی به بزهکار است. متأسفانه قوانین ایران به‌ویژه قانون اساسی امتیاز خاصی را تحت عنوان تبعیض مثبت در خصوص بزهکاران در دوران پساکیفری لحاظ ننموده و در این خصوص قانون مسکوت است.

۴- حق بر کار:

حق کار مندرج در اصل ۲۸ قانون اساسی مطابق با ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده شش میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی است. حق کار به عنوان حق بشری و شهروندی به سرشت ذاتی انسان، یعنی کرامت انسانی مرتبط است. بیکاری، زوال ارزش‌ها و اعتماد به نفس افراد را به دنبال داشته و هزینه آن گریبان همه شهر را خواهد گرفت. کاهش امنیت اجتماعی و افزایش جرایم و نهایتاً تضعیف سلامت شهری از تبعات این معضل اجتماعی است. لذا اشتغال‌زایی به‌ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر و از زندان برگشته از مهم‌ترین خط‌مشی‌های دولت‌ها و سیستم مدیریت شهری باید باشد (هکی، ۱۴۹، ۱۳۸۸-۱۴۵).

در خصوص این حق رفاهی، فعالیت‌های حرفه‌ای در قالب اقدامات تأمینی پس از دوران محکومیت بسیار حائز اهمیت است. از جمله در شرایط عادی که بازپذیری شغلی محکومین با موانعی روبه‌روست، اقدامات طولانی در راستای محدودیت‌های شغلی، منصفانه به نظر نمی‌رسد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ص ۷۲). از آنجا که اشتغال یکی از مهم‌ترین راه‌های دستیابی به سازگار شدن دوباره بزهکار با زندگی شهری است، مرتفع نمودن این مشکل تدابیر خاص قانونی و طرح‌ها و برنامه‌های سیستم مدیریت شهری و البته حمایت دولت‌ها را می‌طلبد.

بازپذیری اجتماعی بزهکاران در جوامعی موثر است که در آن

فرصت‌های شغلی مشروع به صورت عادلانه بر مبنای جمعیت انسانی توزیع شده است. در جوامعی که فرصت‌های شغلی به علت متمرکز بودنشان در برخی مناطق، در دسترس ساکنان مناطق محروم نباشد، بازپذیری اجتماعی بزهکاران موفقیت‌آمیز نتایج مطلوبی نخواهد داشت. لذا در وهله نخست زمینه فراهم‌سازی اشتغال باید از دوران زندان شروع شود. حرفه‌آموزی زندانیان باید هماهنگ با رشد و توسعه کشور و متناسب با سطح استاندارد و توقعات بازار کار باشد، تا پس از خروج، مشاغلی که سال‌ها است مورد نیاز جامعه است در انتظار آنان باشد (شمس، ۱۳۸۲، ۱۵۳-۱۴۷). چنین حمایت‌هایی به‌طور عام از جانب دولت‌ها مدیریت شهرها در ماده ششم میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نیز اشاره شده و اقدامات مذکور را شامل راهنمایی و تربیت فنی حرفه‌ای و طرح برنامه‌ها و خط‌مشی‌های فنی که لازمه اشتغال تام و مولد است دانسته است. از این منظر حق بر کار ارتباط تنگاتنگی با حق بر آموزش می‌یابد، چراکه دانش، بهترین وسیله تأمین معیشت از طریق صحیح و قانونی است.

۵- حق بر آموزش:

در اصول متعددی از قانون اساسی ایران، حق آموزش و پرورش مورد تأکید قرار گرفته است، به‌ویژه در اصل ۳۰ اشعار می‌دارد دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان فراهم سازد. معادل آن در ماده ۱۳ میثاق دوم اعلام می‌دارد که هدف آموزش و پرورش باید رشد کامل شخصیت انسانی، احساس حیثیت و ارتقای احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد (آریانپور، ۱۳۳۹، ص ۱۴).

این حق به‌عنوان رکن اساسی از حقوق شهروندی مجرمان محسوب گردیده و مهم‌ترین شرط تجهیز آنها و خودآگاهی به قابلیت‌هایشان است. حق بر آموزش بزهکاران بالاخص در دوران پس از محکومیت، در فرآیندهای سه‌گانه‌ای متجلی می‌گردد. ابتدا آگاه‌سازی آنان بر حقوق خود سپس ظرفیت‌سازی یا ایجاد حساسیت نسبت به حقوق سایرین و بالاخره توانمندسازی جهت اقدام عملی برای دستیابی به خواسته‌ها، که در مجموع حکایت از ویژگی‌های سه‌گانه حقوق شهروندی یعنی حقوق، تکالیف و مشارکت‌ها دارد. عبارتی حق بر آموزش مبتنی بر آموزش اخلاق و ارزش‌های انسانی و الگوهای رفتاری متداول و نیز آموزش مسئولیت‌پذیری و همچنین آموزش تصمیم‌گیری در زندگی خویش می‌باشد. حاصل چنین آموزشی همزیستی مسالمت‌آمیز و از میان رفتن منشأ آسیب‌پذیری

بزهکاران، به دلیل ناکارآمدی سنتی‌ترین واکنش‌ها در قبال پدیده مجرمانه - که به شکل‌گیری شیوه‌های جدید رفتار مجرمانه منجر می‌گردد - موضع‌گیری‌های متنوعی را از سوی جوامع به دنبال داشته است. به نحوی که اهمیت ویژه راهکارهای این دوران نسبت به راهکارهای بازپرورانه دوران زندان، در سطح بین‌الملل و از سوی سازمان ملل مطرح و تأکید بر مراقبت‌های پس از خروج در ضمن توصیه‌نامه‌های بین‌المللی مورد تأکید واقع شده است.

موضوع جلوه‌های حقوق شهروندی مجرمان پس از آزادی، در حقیقت در قالب اصلی‌ترین مؤلفه شهروندی یعنی مشارکت تجلی می‌گردد. این موضوع بیانگر آن است که تنها با توسل به کیفی‌توان امری را به منزله ارزش در جامعه ترویج نمود. لذا در جریان سیاست‌های بازپرورانه بازپذیرسازی مجرمان و تحقق حقوق شهروندی مسلم آنها، نیازمند تغییرات اساسی و زیربنایی در بستر فرهنگی و رفتارهای اجتماعی در کنار تقویت احساس مسئولیت‌پذیری نهادهای خرد و کلان جامعه و نیز مشارکت حرکت‌های جمعی خودجوش به‌ویژه در بستر حمایت‌های سیستم مدیریت شهری هستیم.

ب) ساختار تدابیر پساکیفری

هنگامی که جرمی اتفاق می‌افتد و مرتکب وارد روند کیفری رسمی می‌شود، تغییرات عمده‌ای در سطوح مختلف روابط فردی و اجتماعی وی ایجاد می‌شود و الزاماتی پیرامون این وضعیت جدید به وجود می‌آید، که مدیریت مطلوب آنها مستلزم برنامه‌ریزی دقیق در تمام سطوح است. از جمله این الزامات آن است که باید تدابیر مناسبی برای اصلاح بزهکاران و مهیا نمودن زمینه بازگشت آنان به زندگی قانونمند در جامعه و بهره‌مندی از حقوق شهروندی آنان اندیشیده شود.

بازپروری از کارکردهای ناظر بر بزهکار در نظام اصلاح و تربیت است، به این معنا که بزهکار دارای سابقه و توانایی‌های مرتبط با شهروند مولد است. بر این اساس ارائه آموزش‌های علمی و فنی به آنان موجب ایجاد تغییرات و اصلاح رفتاری در آنها شده و آنان را برای بازگشت به جامعه به‌عنوان انسان‌هایی مولد و همگام با نظم اجتماعی کمک می‌نماید. اصطلاح بازپروری همچنین با سازگاری یا بازپذیری اجتماعی همچنین بر پذیرش و انطباق مجدد بزهکاران در جامعه تأکید نموده و مبتنی بر تدابیر پیشگیرانه است. در واقع چنین تدابیری جهت تسهیل در ادغام موفقیت‌آمیز مجرمان در جامعه بوده و به نوعی دربردارنده حقوق شهروندی آنان در دوران پس از محکومیت می‌باشد. از آنجاکه بازپروری و اجتماعی کردن مجدد بزهکار، اولین هدف و مهم‌ترین وظیفه عدالت کیفری است،

این افراد است. آموزش حقی است بنیادین برعهده جامعه و گستره‌ای از خانواده تا نهادهای خصوصی و حکومتی و به‌ویژه سیستم مدیریت شهری را دربر می‌گیرد (معظمی، ۱۳۸۸، ص ۴۷). لذا خلأ ناشی از عدم کارایی چنین نهادهایی عموماً تعلیق این حق اساسی از حقوق شهروندی بزهکاران را به دنبال خواهد داشت که در بلندمدت موجب تضعیف سلامت شهر خواهد شد.

۶- حقوق شهروندی پساکیفری:

نگرانی از رعایت کرامت انسانی شهروندان در دادگستری‌ها و مراحل مختلف فرآیند رسیدگی کیفری موجب صدور بخش‌نامه حقوق شهروندی از سوی قوه قضاییه و در نهایت تصویب «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» مشتمل بر ماده واحده ۱۵ بندی در پانزدهم اردیبهشت ۱۳۸۳ گردید. در حقیقت گفتمان غالب در قانون حقوق شهروندی کرامت‌مداری رفتار نهادهای متولی تأمین امنیت جامعه نسبت به بزهکاران می‌باشد. مبتنی بر رویکرد مکتب دفاع اجتماعی، بزهکار در نگاه بالینی محصول تعامل یک سلسله عوامل شخصی و محیطی و کمبودهای عاطفی، تربیتی، فرهنگی و اخلاقی و اقتصادی در سطح جامعه است. لذا تصمیم‌گیری کیفری در کلیه مراحل فرآیند رسیدگی تا اجرای مجازات باید براساس این خلأها برنامه‌ریزی شود تا زندگی اجتماعی پساکیفری او دچار اختلال نشود. از آنجاکه نهادهای مختلف دادرسی و مداخلات مقامات اجرایی و قضایی در فرآیند رسیدگی فضایی را به‌وجود می‌آورد که بر کیفیت زندگی و رشد اجتماعی فرد تأثیرگذار است، هرگونه تعرض به کرامت انسانی بزهکاران در چنین محیط کیفری، بهره‌مندی آنان از حق زندگی را در آینده با چالش می‌سازد. (اسلامی، ۱۳۸۸)

قانون حقوق شهروندی رعایت کرامت انسانی بزهکار را به‌طور کلی یادآوری می‌کند. و تأکید می‌کند که رسالت اصلی کنشگران این نهادها، ایجاد محیطی است که زمینه‌های باز هم‌نوا شدن فرد با جامعه و پیشگیری از تکرار جرم بزهکار را فراهم آورد. بدین خاطر است که این قانون در مقام منع پاره‌ای از رفتارهای موهن و غیرانسانی و ظالمانه در بندهای ۶ و ۹ (موضوع پرهیز از خشونت - اذیت و آزار و شکنجه) و بندهای ۸ و ۱۱ (موضوع پرهیز از نقض حریم خصوصی) برآمده است. زیرا چنین رفتارهایی را در چارچوب جرم‌شناسی بالینی مؤثر در شکل‌گیری شخصیت ضد اجتماعی فرد می‌داند (ابرنادآبادی، ۱۳۸۸، ۲۱) که نهایتاً آسیب‌های اصلی آن بر سلامت شهر خواهد بود.

در راستای تحقق و تقویت حقوق شهروندی مجرمان در دوران پساکیفری، اندیشه بازپروری و خنثی نمودن خوی جامعه‌ستیزی در

همزمان با ارائه خدمات مشاوره‌ای در امور اجتماعی، حقوقی، فرهنگی، مذهبی و غیره حمایت از مددجویانی است که فاقد مسکن و شغل بوده و متقاضی چنین خدماتی می‌باشند. مرکز مراقبت مطابق با ماده ۲۳۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴ با همکاری و کمک انجمن حمایت از زندانیان - انجمن‌های خیریه و اداره‌های مربوط به مشاغل وزارت کار و امور اجتماعی، خدمات ارزشمندی را در این راستا ارائه می‌دهند (یعقوبی، ۱۳۷۸، ۱۵۹-۱۶۴).

همچنین براساس بند (ح) ماده اول آیین‌نامه اجرایی امور خودکفایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور سال ۱۳۶۴ (رجبی، ۱۳۸۲، ۲۱۹-۲۲۲) و ماده ۱۶ بند (ن) ماده ۱۸، بند (ج) ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ اشاره نمود که حمایت مادی و معنوی از زندانیان آزاد شده، به‌ویژه زندانیان بیکار و بی‌مسکن و نیز کمک به خانواده آنها را به‌منظور بازگشت زندانیان به زندگی سالم و اجتماعی، برعهده انجمن‌های حمایت از زندانیان و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور گذاشته‌اند.

«انجمن داوطلبان خدمات اجتماعی به مددجویان آزاد شده از زندان» تنها نهاد موجود در میان نهادهای غیردولتی است که به‌طور اختصاصی با هدف عالی حمایت مادی و معنوی مددجویان آزاد شده از زندان در سال ۱۳۸۶ به‌عنوان یکی از اهرم‌هایی حمایتی مرکز مراقبت پس از خروج تأسیس گردیده است. هرچند که این سازمان مردم‌نهاد^۱ در کنار نهاد مراقبت پس از خروج، عملاً در زیرمجموعه این مرکز قرار نداشته و فاقد اعتبارات مالی در نظر گرفته شده از جانب مرکز مراقبت می‌باشد. با این حال از طریق حمایت‌های توانمندسازی مبتنی بر جامعه زمینه بازگشت آبرومندانه مددجویان را با اعطای بخشی از حقوق شهروندی آنان فراهم می‌سازد.

پشتوانه این نگرش، جریانی انسان‌مدار است که نگاه اصلاحی را به‌جای طرد بزهکار از اجتماع دنبال می‌نماید. در واقع از جمله خدمات حمایتی و اجتماعی، همگام با ارائه خدمات مشاوره‌ای در امور اجتماعی، حقوقی، فرهنگی، مذهبی و غیره حمایت از حقوق شهروندی پساکیفری مجرمانی است که فاقد ماوی و شغلی بوده و نیازمند چنین خدماتی می‌باشند.

طبیعتاً تکرار جرم به‌عنوان معیار ارزیابی در موفقیت یا عدم موفقیت نظام کیفری مورد توجه قرار می‌گیرد (غلامی، ۱۳۸۱، ۱۶۶ و ۱۶۰). بدین ترتیب تنها فرد بزهکار نیازمند اصلاح و تربیت نمی‌باشد بلکه نظام سیاسی و اجتماعی حاکم - که البته بر نظام عدالت کیفری نیز تأثیر غیرقابل انکار می‌گذارد - می‌تواند جرم‌زا بوده و محتاج اصلاح باشد. بنابراین افزایش جرم و نرخ تکرار آن باید به‌عنوان معیاری جهت سنجش جامعه‌ای که افراد را به سوی سقوط در گرداب جرم سوق می‌دهد که نیز مورد توجه بوده و نشانه‌ای از بیماری موجود در جامعه به‌طور عام و در نظام عدالت کیفری به‌طور خاص مورد عنایت بیشتر قرار گیرد.

لذا نهادهای پساکیفری مانند پلی میان زندان و جامعه آزاد عمل می‌کنند و وظیفه آن‌ها فراهم کردن زمینه بازگشت محکوم به جامعه است. برخی از راهکارهای حمایتی - نظارتی قابل اعمال در این دوران واجد ماهیت قضایی محسوب شده و ادامه فرآیند کیفری می‌باشند و برخی دیگر ماهیت غیر قضایی و اداری داشته و توسط نظام مدیریت شهری به اجرا درمی‌آیند.

۱- نهادهای پساکیفری:

برخی از مهمترین نهادهای ارائه‌دهنده خدمات پساکیفری عبارتند از: انجمن حمایت از زندانیان ۱۳۶۰ - مرکز مراقبت پس از خروج زندانیان ۱۳۷۸ - سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۳۸۴ - انجمن داوطلبان خدمات اجتماعی به مددجویان آزاد شده از زندان ۱۳۸۶ و برخی نهاد های دولتی و عمومی از جمله: شهرداری‌ها - بهزیستی - کمیته امداد - هلال احمر - وزارت کار - سازمان فنی و حرفه‌ای - و نهایتاً انجمن‌های خیریه را می‌توان نام برد.

انجمن حمایت از زندانیان عنوان یکی از متولیان اجرای تدابیر پساکیفری، دارای فعالیت‌های خیریه‌ای غیرمستقل و توأم با نهادهای دیگر می‌باشد. از جمله وظایف محوله به این انجمن مطابق با بند (د) از ماده سوم آیین‌نامه مراکز مراقبت پس از خروج، کمک به اشتغال زندانیان پس از آزادی و تهیه فرصت‌های شغلی یا مالی برای آنان است (رجبی، ۱۳۸۲، ۲۰۳-۲۰۴).

نویسندگان آیین‌نامه مرکز مراقبت مطابق با ماده سوم - ۶ و ۸ به‌منظور اصلاح و تربیت بزهکاران، تکالیفی از جمله ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی، اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، تأمین مسکن، اعطای تسهیلات وام بانکی و نظایر آن برای مددجویان را برعهده مراکز یاد شده قرار داده‌اند. از جمله حمایت‌های خاص این مرکز،

۲- تدابیر پساکیفری:

امروزه در اکثر نظام‌های حقوقی، برای اثربخشی برنامه‌های اصلاحی، اصل "مداخله تعقیبی پس از زندان" به رسمیت شناخته شده است. به عبارتی دیگر اصلاح و تربیت محکومین تحت تأثیر جرم‌شناسی بالینی با اتمام مجازات متوقف نمی‌شود، زیرا رسالت عدالت کیفری، برقراری تعادل میان تضمین عادلانه حق شهروندان در برخورداری از امنیت فراگیر در برابر مجرمان از یک‌سو و تضمین واقعی حقوق انسانی و دفاعی مجرمان به‌عنوان گروهی از شهروندان و کمک به بازگشت مجدد آنان در جامعه است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱). در واقع اقدامات درون زندان در صورت نادیده گرفتن حمایت از زندانی پس از خروج تأثیر ناچیزی خواهد داشت، زیرا زمانی که فرد از زندان خارج می‌شود، نیازمند ادامه فرآیند بازپروری است. در غیر این صورت ممکن است مجدداً به سمت عوامل جرم‌زای قبلی سوق داده شود (بابایی، ۱۳۹۰، ۲۰۲).

چنانچه مراقبت‌های پس از خروج در ادامه فرآیند کیفری در راستای کمک به بازسازی و بازپذیری اجتماعی مجرمان و رفع خلأهای موجود در زندگی مجرم باشد، که قبل از ارتکاب جرم تحت تأثیر آن قرار گرفته است، چنین سیاست‌هایی در جهت احیای حقوق و خودشکوفایی آنان و پیشگیری از حرکت مجدد آنان به سمت ارتکاب جرم و بروز ناامنی در جامعه هم رویکردی انسانی بوده هم مبتنی بر نگاه واقع‌گرایانه برای حفظ سلامت شهر یک ضرورت مهم قلمداد می‌شود.

مطابق با بند پنجم از اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران قوه قضاییه، به‌عنوان متولی اصلی پیشگیری و اصلاح مجرمان در ایران پیش‌بینی شده است، به همین دلیل ضرورت دارد مقررات تقنینی جدید، بازپروری مجرمان را از یک‌سو با تأسیس نهادهای جدید و از سوی دیگر با اعطای کارکردی جدید برای نهادهای از پیش تأسیس شده مورد توجه قرار داده‌اند (نیازپور، ۱۳۸۵، ۱۴۸). لذا بازپروری بزهکارانه در دستگاه قضایی صرف‌نظر از زندان و کانون اصلاح و تربیت از رهگذر انجمن حمایت از زندانیان، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی و مراکز مراقبت تحت حمایت مدیریت شهری پس از خروج قابل بررسی می‌باشد.

از طرفی مطالبات حقوقی بزهکاران پس از دوران محکومیت و شکل‌گیری هویت شهروندی آنان مستلزم برخورداری از رشد فکری و آگاهی نسبت به حقوق خود می‌باشد. تا زمانی که فرد آزاد شده از زندان آموزش‌های مناسب جهت بهره‌برداری از توانایی‌ها و رویارویی با دشواری‌ها را ندیده باشد، نتایج مطلوب و اصلاح و بازپروری تحصیل نخواهد بود. البته چنین آموزشی مشمول خانواده

و جامعه وی نیز می‌شود و ضرورت آن هم، برچسب مجرمانه‌ای است که از جانب نهادهای اجتماعی بر پیشانی مجرمان پس از آزادی گذاشته می‌شود (شجاعی، ۱۳۸۰، ۲۴۵-۲۷۲).

صرف‌نظر از ماده ۱۳۶ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۸۴/۹/۲۰ که برنامه‌های بازپرورانه را در راستای برنامه‌های تحصیلی و آموزشی مطرح نموده و در ضمن بند(ز) ماده ۱۸ خود ایجاد امکانات و تسهیلات لازم را به این منظور در مجموعه وظایف سازمان زندان‌ها تعریف می‌نماید، ضمن اینکه ایجاد نهادهایی در دوران پساکیفری به‌عنوان مراکز خدمات آموزشی که متخصصین روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و مددکاران اجتماعی را جذب نموده باشد از ضروریات چنین آموزشی است (شاملو، ۱۳۸۸، ۲۴).

تأکید اسناد حقوق بشری و حق برخورداری از آموزش اجباری و فراگیری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر به نوعی تأکید بر پیشگیری از حاشیه‌نشینی شهروندان به لحاظ فقدان دانش و بیکاری است. لذا وجود نهادهای غیررسمی در کنار نهادهای رسمی آموزش و در مقیاس محدودتر می‌تواند به آموزش مددجویانی بپردازد که فرصت بهره‌مندی از آموزش‌های رسمی جامعه را نداشته‌اند. فعالیت آنها می‌تواند شامل فعالیت‌های آموزشی سوادآموزی برای مجرمین بی‌سواد باشد. از نتایج اصلی فعالیت چنین نهادهایی ارتقای سطح فرهنگ و بینش مددجویان و هم‌گرایی بیشتر آنها با هنجارهای اجتماعی است.

- آموزش خانواده: ضرورت تدابیر پساکیفری

خانواده به‌عنوان نهادی که سرنوشت زندگی اجتماعی به آن وابسته است، نه تنها یک نیاز طبیعی، بلکه یک ضرورت اجتماعی نیز می‌باشد. افراد جامعه بیشترین حمایت اجتماعی خود را مثل کمک‌های مالی و عاطفی از پیوندهای خانوادگی می‌گیرند. لذا وجود والدین اعضای خانواده از عوامل مهم کاهش اضطراب‌ها است (افروغ، ۱۳۸۷، ۲۱). لذا تحکیم وضعیت خانواده بزهکاران در زمان تحمل مجازات و پس از آن در تسریع بازپروری وی بسیار مهم بوده و بهترین ضمانت برای عدم بازگشت بزهکاران آزاد شده به سوی جرم است (Norval, 1970, 128). حفظ روابط و علایق خانوادگی جهت تسهیل بازگشت محکومان به زندگی عادی در ماده ۲۳۷ از آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۸۴/۹/۲۳ تأکید شده است.

با عنایت بر اینکه در جریان بزه ارتکابی، علاوه بر فرد بزهکار، خانواده وی نیز از بزه ارتکابی، تأثیر می‌پذیرد، لذا چنین خانواده‌ای

از سویی دیگر مهم‌ترین مانع اشتغال در بخش خصوصی، رویکرد کارفرمایان نسبت به این افراد است. از این رو پس از آزادی جهت تضمین کارایی، ضروری است مراکز با حمایت‌های مدیریت شهری و مشارکت مردمی جهت اشتغال‌یابی تأسیس گردد تا صاحبان کار و مشاغل را به جذب نیرو از میان زندانیان آزاد شده با اعمال تبعیض مثبت تشویق نمایند و از طریق قانون‌گذاری، کارفرمایان را ملزم به استخدام این افراد نمایند.

در کشور آمریکا، "اداره تادیب" مسئول اصلی اجرای برنامه‌های بازپروری است. آغاز اقدامات پساکیفری توسط این مؤسسه مدتی قبل از آزادی شروع می‌شود. حدوداً شش ماه قبل از رهایی از زندان، مؤسسه با مراکز کارایی ارتباط برقرار می‌کند که فرد بلافاصله پس از آزادی مشغول به کار شود. ارزیابی این مرکز در خصوص هر فرد زندانی توسط یک تیم متخصص صورت می‌گیرد و در اجرای برنامه خود با سایر نهادها و سازمان‌های دولتی-اجتماعی و مؤسسات خیریه و غیر انتفاعی همکاری می‌کنند (واقفی، ۱۳۹۰).

قانون برنامه پنجم توسعه نیز در بخش اشتغال بند (ه) ماده ۸۰ حمایت مالی از بخش غیردولتی به منظور توسعه در گسترش آموزش‌های کسب و کار و کارآفرینی و فنی حرفه‌ای و علمی کاربردی را تأکید می‌کند. همچنین در بند (ج) این ماده گسترش طرح‌های اشتغال‌زای بخش خصوصی-تعاونی به‌ویژه در مناطق با نرخ بیکاری بالاتر از متوسط نرخ بیکاری کشور را مطرح می‌نماید. ماده ۲۱۱ در فصل هشتم این قانون نیز در بخش چهارم بند (ن) سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی را مکلف نموده است که با همکاری دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات عمومی و مردم‌نهاد نسبت به معرفی زندانیان نیازمند اشتغال به مراجع ذی‌ربط پس از آزادی اقدام نمایند.

در کشور هلند در خصوص مجرمین که بی‌خانمان هستند سازمان‌های مردم‌نهادی وجود دارد که به جای مقامات دولتی وظیفه تهیه مسکن را برای این مجرمان - پس از آزادی از زندان - به عهده دارند. در کشور نروژ نیز نهادهایی تحت عنوان نهادهای خدماتی تادیب به شناسایی نیازهای افراد از جمله مشکل مسکن پرداخته و آنها را با نهادهای مسوول مسکن وصل می‌کند. در آمریکا، گام نخست در بررسی زمینه‌های اقامت افراد زندانی پس از آزادی، ارزیابی موضوع از طریق برقراری ارتباط با خانواده وی می‌باشد. در صورت فقدان شرایط مناسب اقامتی در نزد خانواده مددجو، در مکان‌های عمومی که توسط اداره تادیب با آنها قرارداد بسته شده است اسکان موقت داده می‌شوند. در ایران نیز اقداماتی

در معرض آسیب بوده و ممکن است نسبت به پذیرش فرد تعلق نموده و برخوردی مناسب نداشته باشد، لذا در کنار تدابیر مرتبط با حمایت‌های اجتماعی و دولتی و عمومی و مردم‌نهاد برای ارتقای وضعیت معیشتی و ایجاد محیط عاطفی و روانی مناسب، تدابیر آموزشی برای اعضای خانواده شخص بزهکار نیز بسیار حائز اهمیت است. یا برعکس خانواده‌هایی منفی که به نحوی مبتلا به انواع انحرافات اجتماعی و ناپهنجاری بوده و جرایم افراد نیز تجلی وضعیت خانوادگی آنها است. لذا تدابیر به کار گرفته شده بیشتر از نهادهای غیردولتی و مردمی نیازمند دخالت بیشتر سازمان‌های دولتی و مدیریت شهری است. شناسایی چنین خانواده‌هایی پس از آزادی و تحت نظارت قرار دادن عملکرد والدین توسط سیستم‌های نظارتی دولتی، ضمن آموزش‌های لازم توسط مددکاران اجتماعی در صورت ضرورت، از تدابیر و اقدامات ضروری می‌باشد.

به هرحال آموزش شیوه‌های کارآمد و مقابله سازگاران با استرس‌ها و تغییرات زندگی به اعضای خانواده بزهکارانه کمک مؤثری در رویارویی آنها خواهد داشت (روستایی، ۱۳۸۵، ش ۶۱ و ۶۲). تمامی کارشناسان نیز بر اهمیت مشاوره با خانواده بزهکار جهت تسهیل بازپذیری آنان در زمان انتقال زندان به جامعه تأکید می‌ورزند و آموزش‌های لازم به آنها را جهت ایجاد احساس مسئولیت در برابر عضو به خطا رفته ضروری می‌دانند (Pownall, 1971, 26-31).

- اقدامات حمایتی اشتغال و مسکن

زندانیان با ارتکاب جرم عمدتاً مشاغل خود را از دست داده‌اند و پس از آزادی نیز به دلیل برچسب مجرمانه از سوی جامعه به دلیل جرم ارتكابی، با فقدان شغل جدید و عدم پذیرش اجتماعی روبرو هستند. ضمن آنکه در اغلب موارد نیز فاقد آموزش‌های مهارتی لازم در مواجهه با بیکاری و لذا در معرض فشارهای روانی مضاعفی هستند که موجب تشدید روابط نامساعد آنان با جامعه می‌شود. این امر سبب افزایش ناامیدی و افسردگی شده و به نحو خشونت‌آمیز علیه جامعه، تجلی پیدا کرده و یا به نقض مجدد قوانین و بزهکاری منجر می‌گردد. از مخرب‌ترین آثار بیکاری، صدمات وارد آمده بر عزت نفس این افراد است که به تبع آن تعادل و ثبات مشارکت آنان نیز در جوامع از میان خواهد رفت. لذا مسئولیت اولیه چنین وضعیتی برعهده نظام اصلاح و تربیت و مدیریت شهری می‌باشد. با توجه به آنکه بسیاری از بزهکاران از خانواده‌های فاقد استقلال اقتصادی و اشتغال هستند، لذا امکان ارائه حمایت‌های مالی و اقتصادی توسط گروه‌های مرجع نسبت به آنها دشوار خواهد بود (Taggart, 1972, 85).

به نسبت شایستگی‌ها- برای همه افراد از سوی نظام مدیریت شهری فراهم شده باشد، به نحوی که در نتیجه آن حق حیات در آرامش، زیبایی، پاکیزگی و عدالت و فرصت زیست آبرومندان و با کرامت به بهترین شکل ممکن برای شهروندان فراهم باشد. در این تعریف ۴ مولفه مستتر است:

۱- امنیت:

مقصود از امنیت در این تعریف حق زیستن در آرامش، فارغ از ترس از دیگری است. فرد زمانی در آرامش است که از بی‌خطر بودن و بی‌آزار بودن دیگر افراد در محیط پیرامونی خود اطمینان نسبی حاصل نماید. وجود افراد بیکار، بی‌سرپناه و بی‌خانمان، افراد فاقد شغل معین یا جویای کار به ویژه افراد دارای سوابق کیفری و با وجود نیاز مالی شدید می‌تواند برای سایر افراد و شهروندان خطر بالقوه بوده و در همسایگی و مجاورت آنان موجبات ناامنی ذهنی و مخل آرامش زندگی سایر افراد باشد.

از این رو به موازات آن، البته تدابیر سیستم مدیریت شهری برای کمک به افراد بی‌بضاعت و یاری و دستگیری از نیازمندان خصوصاً کمک به بازپروری افراد دارای سوابق کیفری و کمک به بازگشت آبرومندان آنها به جامعه می‌تواند به ارتقای امنیت شهر به عنوان یکی از مولفه‌های سلامت شهری به‌طور جدی کمک نماید.

۲- عدالت:

عدالت به معنای تناسب و حق فرد برای دستیابی به موهبت‌های زندگی- فراخور شایستگی‌های او- پیش‌نیاز سلامت شهری است. عدالت ایجاب می‌کند که افرادی که در پیشینه خود لغزش و خطایی داشته‌اند فرصت جبران داشته باشند و جامعه و شهر آغوش خود را برای افراد بزهکاری که مجازات بزه ارتكابی خود را تحمل نموده و از گذشته خود نادم هستند، باز نماید و این امر عین عدالت است که البته مستلزم تدابیر، امکانات و برنامه‌هایی از سوی مدیریت شهری برای کمک به این افراد می‌باشد که نهایتاً می‌تواند سلامت شهری را ارتقا بخشد.

۳- زیبایی:

یکی از وجوه زیبایی شهر و محیط زندگی شهری، وجود امکانات معیشتی حداقلی برای همگان است. شهرهایی که به دلیل تورم بالا و نرخ بالای بیکاری دارای خیل وسیع افراد فاقد شغل معین و یا وجود مشاغل کاذب فراوان کنار خیابان به عنوان دستفروش یا وجود تعداد بالای محجورین، کودکان کار و همچنین تعداد زیاد افرادی که به شغل تکی‌گری مشغول‌اند و علی‌الخصوص افراد دارای سوابق بزهکاری، جمگی فاقد هرگونه زیبایی هستند

مشابه ادارات تادیب در آمریکا جهت تأمین مسکن مددجویان در مراحل اولیه آزادی، توسط مراکز مراقبت‌های پس از خروج از زندان صورت می‌گیرد که به‌طور ویژه در خصوص زنان بی‌سرپرست اقدامی شایسته محسوب می‌گردد (همان، ۷۰-۶۹).

۳- چالش‌های پیش روی اقدامات پساکیفری:

در ارزیابی تقنینی جایگاه مرحله پساکیفری در ایران برخلاف بسیاری از کشورها مقررات خاصی که نحوه اعمال تدابیر پس از خروج را شرح نماید وجود ندارد و متأسفانه قانون در این خصوص مسکوت است. مراقبت پس از خروج از زندان به طور خاص به سازمان زندان‌ها و به نحو خاص به مراکز مراقبت پس از خروج محول گردیده است. در حالی که اقدامات نظارتی و حمایتی مرتبط با نظام قضایی تنها عامل کنترل رفتار بزهکار نمی‌باشد. سازوکارهای متعدد دیگری نیز وجود دارد که کارکرد آنها تضمین رفتار شایسته افراد در جامعه است و پشتوانه حمایت از حقوق شهروندی این افراد تلقی می‌شود. لذا نمی‌توان مرحله پساکیفری را داخل در فرآیند کیفری دانست. از این رو ماهیت غیرکیفری اقدامات پساکیفری اقتضا می‌کند که دستگاه‌های اجرایی و اداری شهری همچون شهرداری‌ها در جهت بازپروری مجرمین و احیای حقوق آنان ایفای نقش بیشتری نمایند. عدم توجه قانونگذار به لزوم این مشارکت در ایران تا حدودی متأثر از رویکرد کنترلی بر اقدامات مرحله پساکیفری است که صرفاً دخالت مقامات قضایی و سازمان زندان‌ها را توجیه می‌نماید و این موضوع ضرورتاً نیازمند بازنگری و توجه مجدد است.

پ) سلامت شهری:

امروزه سلامت به مثابه‌ی پدیده‌های چندبعدی و چندلایه در شمار حقوق اولیه‌ی انسانی است: در منشور سازمان بهداشت جهانی^۱ برخورداری از بالاترین استاندارد سلامتی، بدون توجه به تفاوت‌های نژادی، مذهبی، عقاید سیاسی و وضعیت اقتصادی یا اجتماعی و یا پیشینه افراد، یکی از حقوق بنیادی هر انسان، ذکر گردیده است (افضلی، ۱۳۹۷، ۸۰) سلامت در این تعریف صرفاً بعد جسمی ندارد بلکه ناظر بر ابعاد روحی و روانی نیز هست. تحلیل‌های سازمان‌های بین‌المللی، نشان‌دهنده‌ی محوریت مولفه‌ی سلامت به عنوان یک شاخص اساسی در سنجش توسعه پایدار است.

حق بر سلامت شهری از جمله مصادیق حقوق شهروندی افراد است. حق بر سلامت شهری عبارت است از برخورداری و دارا بودن محیط زندگی شهری امن، زیبا و پاکیزه که در آن فرصت‌های برابر-

نتیجه‌گیری

توجه و مساعدت بیشتر سیستم مدیریت شهری به امر بازپروری مجرمین ضرورتی است که با گسترش شهرها هرروزه بیش از پیش احساس می‌شود. از یک‌سو منطبق با حقوق شهروندی و کرامت و ارزش والای انسانی افراد دارای سابقه کیفری که مجازات جرم ارتكابی خود را تحمل نموده‌اند و اکنون از گذشته خود نادم بوده و محتاج دستگیری و حمایت‌اند، استحقاق فرصت مجدد از سوی جامعه را دارند. آنان می‌توانند به جای استمرار در بزهکاری و روند اخلال در سلامت شهر با مساعدت و حمایت به نیروهای قانون‌پذیر و مولد جامعه تبدیل شوند. این نگاه انسانی و حق‌مدارانه به بزهکار، ریشه در آموزه‌های مکتب دفاعی اجتماعی دارد مکتب فکری که معتقد است تنها سزا و کیفر نمی‌تواند مجرم را اصلاح نماید و مجدداً او را به شهروندی قانونمند تبدیل نماید بلکه به جای آن حمایت‌های پس از مجازات برای ترمیم و اصلاح و تربیت او نیز ضرورت دارد و حتی بعضاً مستلزم اعمال سیاست تبعیض مثبت به نفع او نسبت به سایر آحاد جامعه است.

از سوی دیگر جدا از این منظر انسانی و حقوق بشری، رویکرد عمل‌گرایانه به موضوع نیز، ضرورت برنامه‌ریزی و تدبیر بیشتر سیستم مدیریت شهری، برای حمایت و اختصاص بودجه بیشتر در جهت اقدامات پساکیفری را اثبات می‌نماید، آنجا که سلامت شهر با مؤلفه‌های چهارگانه امنیت، عدالت، پاکیزگی و زیبایی ارتباط و پیوند نزدیکی با سرنوشت افراد دارای پیشینه کیفری پیدا می‌کند. طرح‌های اصلاح و بازپروری مجرمان، از یک‌سو به شخص بزهکار این فرصت را می‌دهد که مجدداً به عنوان شهروندی قانون‌مدار در جامعه حضور پیدا کند و از فعالیت‌های قانونی خود منتفع شود و از سوی دیگر، منافع اجتماعی و سلامت شهری را تامین می‌کند؛ زیرا جامعه را در مقابل نابهنجاری‌ها و آسیب‌های بیشتری که فرد بزهکار می‌تواند برای آن ایجاد کند، مصون نگه می‌دارد و از این راه سلامت شهر تامین می‌گردد. در پایان راهکارایی برای سیستم مدیریت شهر در این موضوع پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- اختصاص خدمات آموزشی برای مددجویان، در زمینه‌هایی چون ادامه تحصیل، مهارت‌های زندگی و همچنین خدمات تفریحی و ورزشی.
- ۲- افزایش خدمات بهداشتی و درمانی برای مددجویان در موضوعات ترک اعتیاد، مشاوره، مددکاری، روان‌پزشکی و روان‌درمانی.

حتی اگر در سایر حوزه‌های زیبای شهری پیشرفت‌های زیادی هم داشته باشند ولی از این حیث زیبا به نظر نمی‌رسند.

اگرچه حل و فصل همه این معضلات شهری مذکور برای ارتقا زیبای شهر خارج از توان سیستم مدیریت شهری و از وظایف دولت است ولیکن مدیریت شهری بنا به بضاعت خود می‌تواند در این امر مهم و در راستای ارتقاء زیبای شهر مشارکت جدی و موثر داشته باشد.

۴) پاکیزگی:

در اینجا مقصود از پاکیزگی شهری صرفاً نظافت شهری نیست بلکه پاکیزگی شهری اعم از نظافت شهر است. وجود تعداد زیاد معتادین، فروشندگان مواد مخدر در سطح شهرها و پارک‌ها از مهم‌ترین مصادیق فقدان پاکیزگی شهری است که به طور جدی سلامت شهر را به مخاطره می‌اندازد. سیستم مدیریت شهری با کمک به بازپروری معتادین و مجبورین می‌تواند در راستای ارتقا سطح پاکیزگی شهری مشارکت فعال و جدی داشته باشد.

از این منظر، اصلاح و بازپروری بزهکار، او را از فردی معارض هنجارهای اجتماعی، به عضوی از جامعه که سازگار با الزامات زندگی اجتماعی و سلامت شهری و مقید به ارزش‌های آن است، تبدیل می‌کند. (اسکینر، ۱۹۵۳: ۱۸۲-۹۳) همین که اقدامات اصلاحی موثر افتاد و او از مسیر ارتکاب جرم خارج شد، دیگر باعث تضعیف سلامت شهر نمی‌شود و خود، با انجام رفتارهای قانونمند و منطبق با موازین اجتماعی، به تقویت و تحکیم آن کمک می‌کند. (کولین، ۲۰۰۴: ۱۴۸)

بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر «پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین»، تاکید دارد، اما متأسفانه به دلیل تورم جمعیت کیفری زندان‌ها، کمبود بودجه و نبود فضای کافی، و همچنین ناکافی بودن تدابیر و امکانات مدیریت شهری برای کمک به اصلاح و بازپروری مجرمین، این هدف تاکنون به درستی محقق نشده است.

اصلاح و بازپروری مجرم مستلزم شناخت محرومیت و ناکامی‌های روانی اوست. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۲۳۹۶) آدمی که از حقوق مشروع و آزادی‌های قانونی خود محروم گردد ممکن است از جامعه رو برتابد و در فعالیت‌های مفید آن هم شرکت ننماید، گوشه‌گیری از جامعه و انزواطلبی را ترجیح دهد تا جایی که تسلیم یأس و ناامیدی شده و به خودآزاری و یا خودکشی دست بزند و یا آنکه برعکس دست به عصیان زده و با پرخاشگری و مردم‌آزاری و ارتکاب جرم و جنایت، محرومیت‌های خود را جبران نماید و سلامت شهری را به مخاطره اندازد.

خدمات‌دهی جامع و کامل به مددجویان واجد شرایط و آسیب‌پذیر.
۶- اسکان دادن مددجویان فاقد مسکن، در خانه‌های حمایتی و یا خانه‌هایی با اجاره‌بهای پایین.
۷- حمایت مالی از مددجویان زن از طریق تخصیص بودجه‌ی خاص.

۳- تحت پوشش بیمه قرار گرفتن مددجویان واجد شرایط برای انواع خدمات تامین اجتماعی و بیمه‌ای، و همچنین پرداخت حقوق برای افراد بی‌سرپرست.
۴- کمک به بهبود اوضاع اقتصادی مددجویان واجد شرایط، از طریق اشتغال یا معرفی به مراکز کارایی و پرداخت وام‌های خود اشتغالی یا پرداخت کمک‌های نقدی.
۵- مشارکت گرفتن از سایر مراکز و ارگان‌های مرتبط، برای

References

- Afroogh, Emad, A Reflection on the Role of Public Institutions and Social Solidarity, Collection of Articles on Public Institutions and Public Culture, Research and Education Deputy of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran, 1378.
- Afzali, Rasoul; Irankhah, Ahmad, Localization of Paris City Management Experiences in Urban Health. *Journal of Urban Management Studies*: Fall 1397, No. 35.
- Anamalia Su'esu'e" A Systematic Review of Evidence-Based Alternative Models of Incarceration", Dylan Pilger & Lorinda Riley (2025)
- Ardabili, Mohammad Ali, Work in Prison and its Role in the Rehabilitation of Prisoners, *Haqq Quarterly*, Fifth Issue, Farvardin and Khordad 1365.
- Babaei, Mohammad Ali, *Clinical Criminology*, Mizan Publishing, First Edition - Tehran, Spring 1390.
- Charles B. A. Ubah . "Offender Rehabilitation Issues: Critical Lessons for Criminology", *Criminal Justice, and Public Policy* – (2024) Delhi Kaveri books
- Dialogues in Social Justice Journal ." Adult Education & Prisoner Reintegration", Vol. 8 No. 2 (2023)
- Dolatshahi, Arash, Criminal Protection of Citizenship Rights in Iran, Canada, and International Documents, Master's Thesis in Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University 1391.
- Fallahzadeh, Ali Mohammad, The Relationship between Citizenship Rights and Human Rights, *Journal of Justice Law*, No. 58, Spring 1386.
- Farajiha, Mohammad, Collection of Articles from the First National Conference on Crime Prevention with a Sociological Approach, Tehran, NAJA Education Deputy, First Edition, Fall 1388.
- Gassin, E. A., & Enright, R. D. (1995). The will to meaning in the process of forgiveness. *Journal of Psychology and Christianity*, 14(1),
- Georgina Blakeley, Valerie Bryson . *Contemporary Political Concepts: A Critical Introduction* . School of Human and Health Sciences. Pluto Press, 2002
- Gholami, Hossein, *Recidivism*, Tehran, Mizan Publications, Second Edition, 1382.
- Gholami, Hossein, *Restorative Justice in Criminal Sciences*, Collection of Articles in Honor of Ashouri, Samt Publications, First Edition, 1384.
- Hakki, Farshid, *The Discourse of Human Rights for All*, Shahr-e Danesh Legal Studies and Research Institute, First Edition, 1389.
- Hashemi, Seyed Mohammad, *Civil Society and Political System*, *Legal Research Journal*, Nos. 23 and 24, Fall and Winter 1377.
- Hunt .paul; *reclaiming social rights : international and comparatives;reclaiming social rights : international and comparatives perspectives , aldershot:Dartmouth publishing company ,1996*
- Jafari Tabar, Hossein, *Citizenship Yes, Urbanization No*, Collection of Articles from the Citizenship Rights Conference 1396.
- Karmazdi, Abdolkarim, *Conditional Release of Prisoners*, *Dadresi Journal*, No. 1, Farvardin 1376.
- Kazemi, Seyed Ali, *Citizenship Rights in Iranian Laws and Regulations*, Collection of Articles from the Citizenship Rights Conference, University of Tehran Publications, First Edition, 1388.
- Maniya, Mridula. (2004). *Women. Criminals and their Life-style*. New -
- Moazzami, Shahla, *Street Law and Citizenship Rights*, Collection of Articles from the Citizenship Rights Conference, University of Tehran Publications, First Edition, 1388.
- Movahed, Mohammad Ali, *In the Air of Right and Justice*, Tehran, Karnameh Publishing, 1381.
- Najafi Abrand Abadi, Ali Hossein and Hashem Beigi, Hamid, *Encyclopedia of Criminology*, Shahid Beheshti University Publications, First Edition, 1377.
- Najafi Abrand Abadi, Ali Hossein, *An Introduction to Research in the Criminal Justice System, Opportunities and Challenges* (Speech), Qazavat

- Monthly, Eleventh Year, No. 77, Mordad and Shahrivar 1391.
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, Criminological Approach to the Citizenship Rights Law, Collection of Articles from the Citizenship Rights Conference, University of Tehran Publications, First Edition, 1388.
- Niazpour, Amirhossein, Rehabilitation of Offenders in Iranian Regulations, Fiqh and Law Journal, No. 11, Third Year, 1385.
- Norval Morris and Gordon Hawkins. The Honest Politician's Guide to Crime Control. London and Chicago: University of Chicago Press. 1970
- Pownall G.A; employment problems of released prisoner ,Man power administration ,university of Maryland united states 1971.
- Rahiminejad, Esmaeil, Human Dignity in Criminal Law, Mizan Publishing, First Edition, Summer 1387.
- Rajabi, Amin, Explanation of the Executive Regulations of the Prisons and Security and Correctional Measures Organization, Tehran, Daneshvar Publications, First Edition, 1382.
- Rohami, Mohsen, Security and Correctional Measures, Mizan Publishing, First Edition, Summer 1381.
- Shamloo, Bagher and Goozali, Mehdi, Personality File in Iranian and French Criminal Law, Bi-quarterly Journal of Criminal Law Teachings, Razavi Islamic Sciences Faculty, No. 2, Fall and Winter 1389.
- Shamloo, Saeed, Schools and Theories in Personality Psychology, Tehran, Roshd Publications, First Edition, 1388.
- Shams, Ali, A New Approach to the Prison System, Happy Return, Rah-e Tarbiyat Publications, 1382.
- Talebi, Mohammad Ali, Penology, Tehran, Pooyandegan Daneshgah Publications, 1393.
- Vaghefi, Maryam, Legal-Criminological Study of the Post-Criminal Stage in the Criminal Process, Master's Thesis in Criminal Law and Criminology, Mofid University of Qom, 1390.
- Walklate, Sandra, Understanding Criminology - Translated by Hamidreza Malek Mohammadi, Mizan Publishing, First Edition, 1386.
- Wesley. S, (1993) "The Value of Scientific Understanding", *Philosophica* 51. doi: <https://doi.org/10.21825/philosophica.82384>
- Yaghoubi, Abdolhashem, Collection of Laws Related to Prisons and Prisoners, Tehran, Sekkeh Publications, First Edition, 1378.
- Yaghoubi, Amir, Penology, Payam-e Daneshgahi Publications, Isfahan, 1396.
- Zahedi Asl, Mohammad, Collection of Articles from the Sixteenth National Conference of Social Workers of Iran, The Place of Social Work in the Islamic Republic of Iran, Golban Publishing, Fall 1382